

لغو مصونیت قضائی وکلای دادگستری انگلستان

در ارتباط با دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از انجام وظائف

جلال زرینی منفرد
وکیل دادگستری

بوسیله دادگاهها، قوانین و مقررات مصونیت قضائی وکلای دادگستری در برابر دعاوی مسئولیت مدنی می باشد که موکلین آنها علیه آنها و ناشی از انجام وظائفشان، اقامه نموده و می نمایند.

دادگاههای انگلیس اصل مصونیت قضائی وکلای دادگستری در اینگونه دعاوی را طی بیش از دو قرن قبول و مورد عمل قرار می دادند، ولی اخیراً بعلت تغییر در شرایط و اوضاع و احوال جامعه و فشار افکار عمومی، ناچار شدند که این قانون و اصل را به نحوی تغییر داده و مصونیت مذکور را در واقع لغو نمایند. وکلای دادگستری در انگلستان اصولاً و تا وضع قانون اصلاح آئین دادرسی مدنی جدید مصوب ۱۹۹۸ مجلس قانونگذاری، بطور مشخص به دو گروه تقسیم می شدند. گروه اول مخصوص حضور در محاکم و صاحب نظر در مسائل حقوقی و قانونی موسوم به (BARRISTER) می باشند که از شأن، منزلت و شرافت شغلی بالاتر و عالیتری برخوردار بوده و هستند. گروه دوم موسوم به (SOLICITOR) مخصوص امور خارج از محاکم و بیشتر صاحب نظر در مسائل کشف حقیقت و واقعیت یابی بوده و می باشند. گرچه نقش وکلای گروه دوم از نظر اهمیت کمتر از گروه اول نیست و حتی درآمدهای مادی آنها نیز بیشتر از گروه اول بوده و می باشد، با وجود این از نظر شأن و منزلت معنوی و احترام، به پایه وکلای گروه اول نمی رسند. قضات دادگاههای انگلیس، چه قضات دائم و چه قضات موقت، اغلب از بین وکلای گروه اول انتخاب و منصوب می شوند.

خیلی از کارهای اداری و دفتری و حتی کارهای قضائی که در کشورهایی مثل ایران بوسیله دادگاهها و یا دفاتر آنها انجام می گیرد

... و علیرغم آنکه سنت گرائی در نظام حقوقی و قضائی انگلیس یک رویه است، دادگاهها و مراجع قضائی تلاش می نمایند که همیشه با حفظ و استمرار سنتهای حسنه، از تحولات و نیازهای جدید نیز عقب نمانند و به عبارت دیگر سنتها را با شرایط و اوضاع و احوال جدید تلفیق کنند و بدین نحو حرکت دستگاه قضائی را به موازات سایر دستگاهها و تحولات جهانی، هماهنگ و میسر می سازند. نظام حقوقی و قضائی انگلستان از قرنهای قبل براساس دو منبع اصلی و عمده استوار بوده بوده و می باشد. منبع اول قوانین و مقرراتی است که بوسیله مجلس قانونگذاری موسوم به پارلمان و یا مقامات مجاز از طرف مجلس وضع می گردد. منبع دوم قوانین و مقرراتی است که دادگاهها طی قرون و اعصار به طور مستمر و طی ضوابط و سنتهایی که وجود دارد، مستقیماً در آراء خود تأسیس و وضع می نمایند و اینها نیز مثل قوانین و مقررات مجلس قانونگذاری لازم الاجراء می باشند. بعلاوه همین دادگاهها، حتی قوانین و مقررات مجلس قانونگذاری و مقامات مجاز از طرف آنها را با قوانین و مقررات موضوعه خود در مقام اجراء و تعارض، هماهنگ نموده، بدین ترتیب نظام حقوقی و قضائی انگلیس به حرکت تکاملی خود و متناسب با اوضاع و احوال و شرایط جدید، ادامه می دهد. دادگاههای انگلیس در حل و فصل اختلافات و رسیدگی به دعاوی با مشکل نبودن قانون و یا قوانین متعارض و سکوت و از این قبیل و مراجعه به غیر خود، مواجه نیستند و قوانین و مقرراتی را که خود وضع نموده اند، به موقع و در صورت نیاز، با روش مخصوصی که دارند، تغییر داده و با شرایط جدید زمان و مکان تطبیق می دهند. از جمله قواعد و مقررات ایجاد شده

در نظام قضائی و حقوقی انگلیس و آمریکا بوسیله وکلای دادگستری رأساً و مستقیماً انجام می‌شود و وکلای دادگستری اغلب مسائل حقوقی و یا عینی مورد اختلاف را بطور روشن، مشخص کرده، پرونده‌ها را به دادگاهها ارجاع نموده و تعقیب می‌نمایند. وکلای دادگستری گروه اول بعلت شأن و منزلتی که دارند، اغلب بطور مستقیم با ارباب رجوع و موکلین تماسی ندارند و وکلای گروه دوم نقش واسطه را دارند و در مواردیکه لازم بدانند مستقیماً پرونده را به وکلای گروه اول ارجاع می‌کنند و نظر آنها را جلب نموده و در صورت لزوم همانها را برای شرکت در محاکم دعوت می‌نمایند. مرز بندی و تفکیک بین این دو گروه از وکلا نیز از سنتهای نظام قضائی و حقوقی انگلیس می‌باشد که این سنت نیز به تدریج کمرنگ و با شرائط و اوضاع و احوال جدید، خود را منطبق می‌نماید.

بطور مثال در اصلاحات قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۹۸ میلادی برای اولین بار به وکلای گروه دوم نیز اجازه داده‌اند که در محضر دادگاههای عالی حاضر و در جلسات رسیدگی بطور مستقیم، بحث و جدل نمایند. عالیترین مرجع قضائی در انگلیس کمیته قضائی مجلس اعیان (HOUSE OF LORDS) می‌باشد که نقش دیوانعالی کشور و هیأت عمومی دیوانعالی کشور را در کشورهایی مثل ایران بعهده دارد. در دعاوی معمولی، کمیته قضائی مجلس اعیان اغلب از پنج (۵) نفر تشکیل می‌شود ولی در دعاوی مهم و حساس این کمیته از هفت (۷) نفر تشکیل می‌گردد و رأی اکثریت مناط اعتبار بوده و لازم الاجراء می‌باشد.

کمیته هفت (۷) نفره مجلس اعیان در بیستم ژولی سال ۲۰۰۰، بالاخره درباره مسأله مهم وضعیت مصونیت قضائی وکلای دادگستری بطور عام (چه گروه اول و چه گروه دوم)، پس از مدت‌ها رسیدگی و اظهار نظر نمود. چندین پرونده در این خصوص در دادگاههای بدوی و تجدیدنظر قبلاً مطرح شده بود که دادگاههای بدوی اصل قانونی مصونیت قضائی وکلای دادگستری را در این رابطه مورد تأیید قرار داده بودند ولی دادگاههای تجدیدنظر معتقد بودند که ادامه مصونیت قضائی مذکور دیگر توجیهی ندارد. وکلای ذینفع از آرای دادگاههای تجدیدنظر فرجامخواهی نموده و این پرونده‌ها در مجلس اعیان بعلت ارتباط موضوع و وحدت مسأله، بهم ضمیمه شدند و نهایتاً مجلس اعیان با

اتفاق آراء هفت (۷) نفر در رابطه با دعاوی مدنی و با اکثریت چهار (۴) نفر در رابطه با دعاوی کیفری، اصل قانونی مصونیت قضائی وکلای دادگستری در دعاوی مسئولیت مدنی موکلین آنان و ناشی از انجام وظائفشان را، لغو نمودند. اینک مختصری از استدلال و دلایل موافقین و مخالفین کمیته قضائی مجلس اعیان در خصوص موضوع نقل می‌شود: ۱- شأن نزول و فلسفه ایجاد و وجود مصونیت قضائی وکلای دادگستری در دعاوی مسئولیت مدنی موکلین آنها ناشی از انجام وظائف در دستگاه قضائی انگلیس، در موارد ذیل خلاصه می‌گردد: - شأن و منزلت دستگاه قضائی و وابستگان به این دستگاه و از جمله وکلای عالی مقام گروه اول (BARRISTER) که مجاز به موکل یابی و به اصطلاح بازاریابی مستقیم برای خود نیستند، بلکه ارباب رجوع و وکلای گروه دوم (SOLICITOR) شخصاً و به طیب خاطر به آنان مراجعه می‌نمایند و بنابراین مسئولیت عواقب را نیز مراجعین، خود خواهند پذیرفت. - وکلای گروه اول اصولاً «قراردادی با ارباب رجوع راجع به حق الزحمه و حق الوکاله و غیره نداشته و؛ کلین و مراجعین، خود حق الزحمه و حق الوکاله را پرداخت می‌نمایند.

- وکلای دادگستری و بخصوص وکلای گروه اول در واقع یار و مددکار اولیه دادگاهها در جلسات رسیدگی نیز بوده و مجبورند که بالاخره مثل قضات دادگاهها، در لحظات بسیار مهم و حساس و برای فیصله اختلافات بطور فوری و فوری اظهار نظر نمایند. - تعارض تکالیف وکلای دادگستری در برابر موکلین و مراجعین از یکطرف و در برابر دادگاهها و دستگاه قضائی از سوی دیگر موجب می‌شود که در مواردی موکلین و ارباب رجوع از وکلای خود ناراضی شده و آنها را مسامحه کار تلقی نمایند.

- عدم تمایل دستگاه قضائی به رسیدگی و طرح مجدد و تجدید مطلع دعاوی که درباره آنها بهر جهت اظهار نظر و فیصله اختلافات بعمل آمده، بهر شکل و صورت دیگر از جمله شکایت و دعاوی موکلین علیه وکلا در پرونده‌های موصوف، و خلاصه رعایت نظم عمومی جامعه در اینگونه موارد که بر حقوق فردی و خصوصی اشخاص رجحان و برتری دارد.

- کمیته قضائی مجلس اعیان در رأی مفصل خود، تمام موارد فوق، بعلاوه آراء سابق خود و نیز محاکم تالی انگلیس را در قرون گذشته، مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار

داده، همچنین لوایح مفصل صندوق جبران خسارات وکلای دادگستری در حین انجام وظیفه و نیز انجمن وکلای گروه اول را که در این رابطه به مجلس اعیان تقدیم نموده بودند، مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و نهایتاً به تفاق آراء در رابطه با دعاوی مدنی و اکثریت آراء در رابطه با دعاوی کیفری، به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر و بعلت تغییر شرائط و اوضاع و احوال جامعه، هیچکدام از مبانی و مستندات که طی قرونها، باعث ایجاد اصل مصونیت قضائی وکلای دادگستری شده‌اند، هم اینک و دیگر قابل اعتبار نبوده و نظم عمومی و انتظارات جامعه، آنها را دیگر قبول نداشته و ندارد.

۲- این اصل که دادگاهها و وابستگان و شرکت کنندگان در محاکم، به لحاظ نظم عمومی، می‌بایست مصونیت قضائی از تعقیب داشته باشند، خود ناشی از اصل دیگری است که در دادگاهها می‌بایست آزادی بیان وجود داشته باشد، تا قاضی محکمه اطلاعات کافی در رابطه با مسائل مطروحه را کسب نماید. مصونیت قضائی در این خصوص اختصاص دارد به مطالبی که در جلسات رسمی دادگاهها و بوسیله وکلا و شهود و مطلعین و کارشناسان و غیره مطرح می‌شود. در اینگونه موارد، دیگران حق اقامه دعاوی مسئولیت مدنی و ضرر و زیان و افتراء و نشر اکاذیب و از این قبیل علیه شرکت کنندگان و اعضای محکمه ندارند. قیاس مصونیت قضائی خاص اخیرالذکر با مصونیت قضائی عام وکلا در انجام وظائفشان و در خارج از دادگاه، قیاس مع الفارق بوده و قابل اعتبار نبوده و نمی‌باشد.

۳- اینکه تجدید مطلع و طرح دعاوی مجدد در ارتباط با دعاوی مختومه و فیصله یافته، در شکل و قالب اقامه دعاوی مسئولیت مدنی علیه وکیل ناشی از مسامحه و قصور و ندانم کاری در حین انجام وظیفه، موجب مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضائی می‌گردد و باعث می‌شود که دعاوی بطور زنجیره‌ای ادامه یابند، نیز کافی برای توجیه ادامه مصونیت قضائی وکلا نمی‌باشد، زیرا چنانچه تصور شود که در اینگونه موارد، محکومین کیفری و مدنی بجای آنکه طبق معمول از رأی صادره تجدیدنظر خواهی نمایند، علیه وکلا طرح دعوی نمایند، موجه به نظر نمی‌رسد. نظم عمومی و از جمله قانون اصلاح آئین دادرسی مدنی اخیر، اختیارات زیادی به محکمه داده که از همان ابتدای مطالعه دادخواست و

شکایت، چنانچه تشخیص داد، طرح دعوی و شکایت بی اساس بوده، و صرفاً به منظور انتقام‌جوئی و مردم آزاری و سوء استفاده از آئین دادرسی و دستگاه قضائی، بوده می‌تواند بلافاصله و بدون ورود به رسیدگی، با دستور فوری، دعوی و شکایت را رد نماید. به موجب رویه‌های موجود و نیز مفاد قانون اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی اخیر، تا زمانیکه مسیر تجدیدنظرخواهی وجود داشته و دارد، موکلین و طرفین اصیل دعوی حق نداشته و ندارند که علیه و کلاهی و یا پلیس و یا مقاماتی که در پرونده دخالت داشته‌اند، راجع به انجام وظائفشان، شکایت و یا طرح دعوی نمایند، بلکه مطالب خود را می‌بایست در قالب و شکل تجدیدنظرخواهی از آراء مطرح نموده، تا مورد رسیدگی قرار گیرد. چنانچه اشخاصی خلاف قاعده مذکور عمل نمایند، براساس مستندات قانونی فعلی، دادگاهها حق دارند، از ابتداء و بدون به جریان انداختن پرونده، دعوی و شکایت آنها را رد کنند. بدین ترتیب نظم عمومی، وجود ندارد.

۴- در زمینه تکالیف دوگانه و کلا در مقابل دادگاه و موکلین خود، بدون شک و کلاهی دادگستری تکلیف اولیه و قطعی را در برابر دادگاهها دارند، ولی این تکلیف اولیه و قطعی موجب توجیه ادامه مصونیت قضائی آنها در برابر موکلین نیست، زیرا برای مثال در مورد سایر مشاغل تخصصی مثل پزشکان نیز، به هنگامیکه بعنوان کارشناس در دادگاهها دخالت می‌نمایند، همین تکالیف دوگانه وجود دارد و حال آنکه آنها از مصونیت قضائی برخوردار نیستند.

۵- لغو اصل مصونیت قضائی برای و کلاهی دادگستری، منافع زیادی برای جامعه دارد از جمله آنکه جامعه در حال حاضر، دیگر استثنای غیرعادی و خلاف قاعده را بر اصل اساسی دیگری که می‌بایست بالاخره بهای کار غلط پرداخت شود، تحمل نمی‌نماید.

۶- لغو اصل مصونیت قضائی و کلا، موجب نمی‌شود که سیل دعاوی مسؤلیت مدنی ناشی از مسامحه و ندانم کاری علیه و کلا در محاکم جاری گردد، و به فرض اینکه چنین امری اتفاق افتاد، این اطمینان در حال حاضر وجود دارد که دادگاهها بین اشتباه در اظهار نظر و کیل از یکطرف و

مسامحه و قصور و تقصیر واقعی آنها از طرف دیگر، فرق قائل شوند. دادگاهها به این نکته توجه دارند که در بعضی مواقع و کلاهی دادگستری با جدول زمانبندی شده فشرده‌ای مواجه می‌گردند که در تحت فشار و سریعاً می‌بایست، بالاخره اتخاذ تصمیم و اظهار نظر نمایند. کار و وکالت دادگستری، بیشتر به یک «هنر» شباهت دارد تا به «علم» و بنابراین طبق اصول علمی خشک نمی‌توان با آن مواجه شد. تکلیف اولیه و کلاهی دادگستری در برابر دادگاهها که می‌بایست یار و یاور آنها باشند، بخودی خود و هرگز مسامحه و ندانم کاری به نفع موکلین تلقی نخواهد شد.

۷- مدعیان و موکلین در اینگونه موارد، می‌بایست استانداردهای دفاعی برتری را اثبات و نشان دهند که چنانچه بدین نحو وکالت انجام می‌شد، نتایج مطلوبتری برای آنها حاصل می‌شد. اثبات این امر، کار بسیار سنگین و مشکلی است.

۸- دادگاهها بطور مطمئن دعاوی بی‌پایه و اساس را در این زمینه‌ها علیه و کلا از ابتدا رد و استماع نخواهند نمود.

۹- ترس و کلاهی دادگستری از اقامه دعاوی مسؤلیت مدنی علیه آنها و ناشی از انجام وظائفشان، بی‌پایه بوده و به خودی خود نمی‌تواند موجب ادامه مصونیت قضائی آنها شود.

۱۰- اثبات عدم صلاحیت و لیاقت و کیل دادگستری در انجام وظائف و در موارد بسیار نادر و استثنائی، موجب تقویت نظام قضائی می‌شود. اعتماد عمومی به نظام قضائی با ادامه مصونیت قضائی و کلاهی دادگستری، افزایش نمی‌یابد، زیرا مصونیت قضائی در اینگونه موارد، این عقیده و برداشت را در جامعه ایجاد خواهد نمود که دستگاه قضائی، خود را گروهی ممتاز و برخوردار از حقوق ویژه و ممتاز می‌داند، ولو آنکه و کلاهی دستگاه قضائی بطور فاحش از تکالیف حرفه‌ای خود تخطی و تخلف نموده باشند.

۱۱- لغو مصونیت قضائی و کلاهی دادگستری نیاز به تصویب مجلس قانونگذاری ندارد، زیرا ایجاد مصونیت برای آنها از اول بوسیله دادگاههای دادگستری و قوه قضائیه انگلیس تأسیس شده و بنابراین لغو آن هم بوسیله همینها می‌بایست انجام گیرد. احاله موضوع به مجلس قانونگذاری،

علاوه بر آنکه، حمل برکناره‌گیری نظام قضائی از انجام وظائف خود می‌شود، مضافاً مجلس قانونگذاری و دستگاه قضائی را مدت‌ها بهم مشغول می‌نماید و این امر، موجب عدم اعتماد عمومی به شاغلین مشاغل حقوقی و قضائی می‌گردد. ۱۰- این اصل اساسی در حال حاضر در جامعه و نظام قضائی و حقوقی انگلیس حاکم می‌باشد که تمام کسانی که از اهمال و مسامحه و قصور و تقصیر صاحبان مشاغل حرفه‌ای، متضرر می‌شوند، می‌بایست، ضرر و زیان وارده به آنها، به نحوی جبران شود. هرگونه بحث و گفتگو پیرامون مصونیت قضائی برای هر گروه و قشر و هر کس و بعنوان استثناء بر اصل مذکور، می‌بایست متکی بر دلائل و توجیهات قوی باشد، تا مورد قبول جامعه قرار گیرد و صرف اظهار نظر و عقیده شخصی، کافی برای توجیه مصونیت قضائی، برای هیچکس نمی‌باشد.

۱۱- در حال حاضر، ادامه هرگونه مصونیت قضائی و حقوق ویژه و ممتاز، برای هر کس و هر گروه، منحصراً می‌بایست در خدمت مصالح و منافع عمومی باشد، نه در خدمت مصالح و منافع گروهی خاص. و کلاهی دادگستری برای ادامه مصونیت قضائی خود، باید اثبات نمایند که لغو مصونیت قضائی آنها آثار منفی بر مدیریت دستگاه قضائی و قوه قضائیه خواهد داشت.

۱۲- تعارض تکالیف دوگانه و کلاهی دادگستری و به خصوص و کلاهی گروه اول (BARRISTER) که نمی‌توانند مراجعین خود را رد نموده و به مسائل آنها گوش ندهند، دلیل قانع کننده‌ای برای ادامه مصونیت قضائی آنها نیست، زیرا بعنوان مثال، پزشکان نیز اخلاقاً همین وضعیت را در برابر بیمار و جامعه دارند ولی هیچگونه مصونیت قضائی برای آنها وجود ندارد.

۱۳- اقلیت قضات مجلس اعیان که معتقد بوده‌اند فقط در دعاوی کیفری، می‌بایست مصونیت قضائی و کلاهی دادگستری ادامه داشته باشد، بطور خلاصه چنین اظهار نظر نموده‌اند که اصولاً در دعاوی کیفری، نقش و کلاهی دادگستری در مدیریت و تکمیل پرونده، کمتر از دعاوی مدنی می‌باشد و بالعکس نقش دادگاههای کیفری در مسائل جزائی، در مدیریت و

تکمیل رسیدگی به پرونده‌ها بیشتر از وکلای دادگستری در امور مدنی است و بعبارت دیگر وکلای دادگستری کنترل کافی بر پرونده‌های کیفری ندارند. در دعاوی کیفری مصالح و منافع عمومی مورد نظر می‌باشد و حال آنکه در دعاوی مدنی به ندرت مصالح و منافع عمومی مورد نظر قرار دارد. وظائف و تکالیف وکلای دادگستری در دعاوی کیفری در مقابل دادگاهها، برای کشف حقیقت به مراتب بیش از دعاوی مدنی است و همین تکلیف کشف حقیقت، با منافع موکلین آنها که اغلب علاقه‌ای به این امر ندارند، در تعارض و تضاد شدید قرار دارد و وکلا در این امور، خیلی تحت فشار و محظور

اخلاقی دارند. متهمینی که نهایتاً محکوم و یا تبرئه می‌شوند، ممکن است مدتها در بازداشت موقت بوده و آزادی آنها سلب شده باشد و ناراحتیهای زیادی متحمل شده باشند، که در مقایسه با دعاوی مدنی، ناراحتی و ناراضیتی آنها از وکلا خیلی بیشتر است اگر به آنها اجازه اقامه دعاوی مسؤلیت مدنی علیه وکلا داده شود، نظام جامعه مختل می‌شود، زیرا وکلای دادگستری نیز مثل نیروی انتظامی موظفند که مصالح عمومی جامعه را در کشف حقیقت و جرم و همکاری با مراجع قضائی رعایت نمایند و در مجموع ادامه مصونیت قضائی وکلای دادگستری در دعاوی کیفری به نفع عموم و

جامعه و دستگاه قضائی تمام خواهد شد. کمیته قضائی مجلس اعیان در رأی مهم خود، وارد این مسأله نشده اند که آیا رأی مذکور بعنوان قانون عطف به ما سبق می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد که مسأله را به عمد مسکوت گذاشته‌اند، تا آن هم طبق سنتی که در دستگاه قضائی انگلیس وجود دارد، ابتدائاً در محاکم تالی و در پرونده‌ها مطرح شود و محاکم تالی در خصوص آن اتخاذ تصمیم نمایند و چنانچه در آینده به کمیته قضائی مجلس اعیان محول شد، متعاقباً مثل اصل موضوع در رابطه با آن اظهارنظر و تعیین تکلیف نمایند.

فرم اشتراک ماهنامه وکالت

وکالت تلفنی مشترک می‌پذیرد

مراجعه به بانک و اداره پست لازم نیست . برای اشتراک ماهنامه وکالت کافی است با شماره تلفنهای : ۸۸۳۴۴۴۸ و ۸۸۴۲۱۶۴ تماس بگیرید .

وکالت

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

همه کارها را ما انجام می‌دهیم

نام خانوادگی :
 به تفکیک حروف الفبا
 به تفکیک حروف الفبا

نام :
 به تفکیک حروف الفبا
 به تفکیک حروف الفبا

تاریخ شروع اشتراک : _____ از شماره : _____

نشانی : _____

کد پستی : _____ تلفن : _____

مبلغ از بانک : ریال طی حواله بانکی به شماره _____
 از بانک شعبه _____ ارسال شد

برای اشتراک ماهنامه وکالت، اصل یا کپی این فرم را پس از تکمیل، همراه با اصل یا کپی این فرم را پس از تکمیل، همراه با اصل فیش بانکی حق اشتراک که به حساب جاری ۵۵۴۳۰۷۴۸ بانک تجارت شعبه پتروشیمی کد ۲۱۴ به نام سید رضا مهدوی نجم آبادی واریز شده باشد به آدرس مجله ارسال کنید .

هزینه اشتراک

تهران : خیابان سمیه ، جنب هتل آزادی ، ساختمان ۵۸ ، طبقه اول ، شماره ۱۲
 صندوق پستی : ۱۵۸۱۵-۳۵۵۳
 تلفن : ۸۸۳۴۴۴۸ تا ۸۸۴۲۱۶۴

شش ماه با پست سفارشی ۳۶۰.۰۰۰
 یکساله با پست عادی ۶۰۰.۰۰۰
 یکساله با پست سفارشی ۷۲۰.۰۰۰

۲۰ درصد تخفیف برای دانشجویان و اساتید دانشگاهها یا ارایه کارت شناسایی